

بررسی نقش و جایگاه انواع کمال در مراتب وجود انسان

نقش هر کمال در مراتب وجود انسان چیست و کمالات گوناگون چه جایگاهی در زندگی ما دارند؟

- جامد است؟ خیر، اما خصوصیات جمادات را هم دارد.
- گیاه است؟ نه، اما ویژگی‌های یک گیاه را هم داراست.
- حیوان است؟ خیر، اما از خلق و خوی یک حیوان هم برخوردار است.
- فرشته است؟ نه، اما مانند فرشتگان عقل دارد.

اگر درس‌های قبلی را با دقت مطالعه کرده باشید، احتمالاً حدستان درست بوده است. جواب سوال ما انسان است و قصد داریم انواع کمال در مراتب وجود انسان را بررسی کنیم. انسانی که در عین برخورداری از ویژگی‌های اصلی جمادات، گیاهان، حیوانات و فرشتگان، هیچ‌یک از این‌ها نیست و البته بعد دیگری نیز دارد، که به واسطه آن از سایر موجودات متمایز می‌شود. بخشی که ما را از سایر موجودات متمایز می‌کند، همان بعد انسانی وجود ماست. ما به واسطه داشتن این بخش در وجودمان است که عاشق و طالب کمالیم و همه کمالات را به صورت مطلق می‌خواهیم، نه محدود و تمام شدنی.

رابطه مراتب و کمالات مختلف وجود انسان

همان طور که در مقاله بررسی قانون زوجیت بیان کردیم، زوجیت بسیاری از پدیده‌های این عالم عیان و آشکار است، مانند شب و روز، زن و مرد، مثبت و منفی و... . اما جالب است بدانیم که برای هر یک از ابعاد وجود انسان نیز زوجی وجود دارد. زوجی که به آن عشق می‌ورزد، آن را اله خود قرار می‌دهد و در کنار آن آرام می‌گیرد. در واقع این معشوقات، کمال‌ها¹ یا اثرات وجودی هر یک از این ابعاد هستند و با بعد مربوط به خودشان در سنخیت و هماهنگی کاملند. پس کمال در مراتب وجود ما در رابطه‌ای مستقیم با معشوق همان بخش از وجود ماست؛ یعنی کمالات جمادی اله بعد جمادی وجود ما هستند؛ کمالات

¹ کمال یعنی اثر وجودی یک شیء؛ هر کاری که از شیئی بر بیاید؛ دارایی.

گیاهیِ اله بعد گیاهی و به همین ترتیب کمالات حیوانی و عقلی نیز مربوط به ابعاد حیوانی و عقلی ما می‌شوند. هر یک از ابعاد وجود ما علاوه بر کمالات خود کمالات بخش‌های پایین‌تر از خود را نیز در بر می‌گیرند. اما هر کمال در مراتب وجود ما هر قدر هم که در بخش مربوط به خود قوی شود، از حد و مرتبهٔ خودش فراتر نخواهد رفت و قادر نیست به کمالات مرتبهٔ بالاتر ارتقاء پیدا کند. مثلاً یک یوزپلنگ بسیار سریع و زیبا را در نظر بگیرید؛ سرعت و زیبایی‌اش حاکی از این است که از اندامی قوی و سلامتی برخوردار است، رشد خوبی داشته و احتمالاً از نژاد خوبی نیز برخوردار بوده، اما هر قدر هم که در سرعت و زیبایی سرآمد باشد، نام انسان را دریافت نخواهد کرد.

چینش معشوقات و کمالات در مراتب وجود

همان‌طور که گفتیم کمال در مراتب وجود ما امری کلی نیست و هر بعد از ابعاد وجود کمال مربوط به خود و در نتیجهٔ آن معشوق و اله مربوط به خود را دارد. برای مثال کمال عقل ما فهم و درک هر چه بیشتر معقولات است، در نتیجه معقولات، مطالعات، علم، اکتشافات و اختراعات معشوق بخش عقلانی وجود ما خواهند بود. کمال بخش حیوانی وجود ما پیشرفت هر چه بیشتر و بهتر در امور حیوانی مانند؛ مقام، شهرت، شهوت و... است و در نتیجه این بخش از وجود ما در صورت رسیدن به این کمالات احساس رضایتی نسبی را تجربه خواهد کرد و تمام تلاش خود را صرف کسب این گروه از کمالات می‌کند. همین‌طور بخش گیاهی وجود ما به کمالات گیاهی مانند تولید مثل، رشد، زیبایی و... و بخش جمادی وجود ما به جمع کردن ثروت از هر نوع آن مشغول خواهد بود. این مشغولیت در حالت عادی نه مثبت است و نه منفی و همان‌طور که در تعریف کمال گفتیم این علاقه و مشغولیت امری کاملاً فطری و کاملاً ذاتی است.

دنیای ژرف کمالات

در دنیایی زندگی می‌کنیم پر از رنگ‌ها، جاذبه‌ها، پدیده‌ها و شگفتی‌ها. از طرفی انسان نیز موجود منفعلی نیست و با موجودات گوناگون و محیط اطرافش ارتباط برقرار می‌کند. ما پیوسته در معرض؛

- کمالات جمادی مانند اتومبیل، مسکن، پول، جواهرات و ...
- کمالات گیاهی مانند اندام، زیبایی، قدرت بدنی، غذا، تولید مثل و ...
- کمالات حیوانی مانند مقام، شهرت، شهوت و ...
- کمالات عقلانی مانند کسب مدارج تحصیلی و ...

قرار داریم که هر کدام می‌تواند ما را به حدی به خود مشغول کند، که به طور کلی از بخش‌های دیگر وجودمان غافل شویم. گاهی آنقدر شیفته زیبایی پدیده‌ها می‌شویم، که نمی‌توانیم به راحتی خود را از بند آن رها کنیم و گاهی هم شیفته کمالات حیوانی می‌شویم، که جاذبه و گستردگی‌اش به مراتب بیشتر از کمالات نباتی و جمادی است. دنیای کمالات حیوانی با جاذبه‌ها، امیال و شهوات رنگارنگش میلیاردها انسان را مشغول و فریفته خود کرده و برایشان مجالی برای اندیشیدن در خود و معشوق حقیقی‌شان باقی نگذاشته است. اما به راستی میان این همه عشق رنگارنگ، عشق یا زوج اصلی وجود ما کدام است؟ وضعیت ما و کمال در مراتب وجود ما مانند مادری است، که نه ماه در انتظار است تولد سالم فرزندش را ببیند، اما بدون توجه به هدف خود مدام درگیر حواشی و مسائل جانبی بارداری، یا حفظ تناسب اندام خود در زمان بارداری شده و اصل هدفش را فراموش می‌کند؛ در نتیجه به احتمال زیاد به هدف نهایی خود نخواهد رسید. درگیر شدن ما با کمالات پایینی نیز به همین میزان ما را از معشوق بخش انسانی وجودمان غافل کرده و برایمان خسارت‌بار است.

اولویت در پرداختن به کمالات

فرض کنید کسی می‌خواهد خانه‌اش را ایمن‌سازی کند، اما به جای پرداختن به سیم‌های لخت برق که خطری جدی و فوری دارند؛ زمان، انرژی و هزینه‌اش را صرف لوله‌های قدیمی آب می‌کند. قوه‌ی واهمه ما هم دقیقاً چنین کاری می‌کند؛ اولویت و اهمیت کارها را در نظرمان تغییر می‌دهد، آینده‌ی وهمی و مشکوک را جدی جلوه داده و آینده‌ی قطعی را کم اهمیت و بسیار دور جلوه می‌دهد و ممکن است به بهانه‌ی به دست آوردن کمالات بخش‌های پایینی ما را از پرداختن به بخش فوق‌عقلی غافل کند که در نتیجه‌ی آن سرمایه‌ی گران‌بهای عمرمان را به راحتی از دست بدهیم. اما قوه‌ی واهمه چیست؟ بخش‌های پایینی وجود کدامند و کمالات اصلی وجودمان کدام کمالات هستند؟ برای صحبت در این باره، ابتدا باید قوای وجود را معرفی کنیم.

در این مقاله به بررسی کمال در مراتب وجود انسان پرداختیم و گفتیم که هر کمال در مراتب وجود مانند زوجی ما را در برگرفته و محاصره کرده است. ما بسته به این‌که به چه کمالی و به چه میزان می‌پردازیم، قیمت و شرافت پیدا می‌کنیم و زمانی در این میدان پرتلاطم موفق خواهیم بود که کمالات بخش‌های مختلف وجود را در جهت رسیدن به معشوق حقیقی اولویت‌گذاری و مهندسی کنیم.